حبیب روحانی جناب آقا میرزا غلامعلی علیه بهآء اللّه ملاحظه فرمایند

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

جوهر حمد و بیان و ساذج شکر و تبیان بساط امنع اقدس مالک امکان را لایق و سزاست که در بحبوحهٴ اشتعال نار بغضا کوثر بقا عطا مینماید و بنور افق اعلی هدایت میفرماید اوست مقتدری که بلایای ارض او را منع ننمود و ظلم خلق او را از ماینبغی بازنداشت در لیالی و ایّام لسان عظمت ناطق و کوثر بیان جاری و ساری طوبی از برای نفوسی که با قلب طاهر و صدر مقدّس و وجه منیر بوجه الهی توجّه نمودند امروز زمین و آسمان از اشراقات انوار وجه منوّر قد اخبر بذلک ربّنا الرّحمن فی الفرقان بقوله تعالی و اشرقت الأرض بنور ربّها امروز اهل ملأ اعلی و جنّت علیا با کئوس و اباریق طواف مینمایند و بر مقبلین عطا میفرمایند صدهزار افسوس از برای نفوسی که در غرقاب ظنون و اوهام مانده‌اند سبحان‌اللّه منظر اکبر منوّر و مالک قدر ناطق ولکن عباد غافل از خمر غرور محجوب این عبد خالصاً لوجه اللّه در مسا و صباح خلق عالم را بکمال عجز و ابتهال ذکر مینماید و از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که کل را تأیید فرماید و بمطلع ظهور راه نماید اوست مقتدر بر آنچه اراده فرماید و قادر بر آنچه بخواهد

 سبحانک یا من باسمک ماج بحر البیان فی الامکان و سرع المقرّبون الی مشرق العرفان اسألک بالاسم الّذی به قام اهل القبور و ارتفع النّدآء من الطّور بأن تؤیّد احبّائک علی الاستقامة علی امرک و نوّر قلوبهم بأنوار معرفتک ای ربّ تراهم مقبلین الی افقک الأعلی و متمسّکین بحبل فضلک یا مالک الأسمآء و فاطر السّمآء اسألک بنفسک و بمشارق وحیک و مطالع علمک بأن تنزل علیهم من سمآء جودک ما یقرّبهم الیک ای ربّ لا تمنعهم عن رحیقک المختوم و اسرار اسمک القیّوم انت الّذی لا یعزب عن علمک من شیء و لا یعجزک من شیء تفعل ما تشآء و تحکم ما ترید اشهد یا الهی عند تجلّیات انوار وجهک و ظهورات قدرتک و قوّتک فی ایّامک بما شهد به لسان عظمتک قبل خلق عبادک و قبل سمائک و ارضک بأنّک انت اللّه لا اله الّا انت الفرد الواحد العلیم الحکیم صلّ اللّهمّ یا الهی علی الّذین وجدوا عرف بیانک و سمعوا ندائک و قاموا علی خدمة امرک فی ایّام فیها اضطرب کلّ ساکن و فزع کلّ صابر و خاف کلّ مطمئنّ و تزلزل کلّ مستقیم و ناح کلّ قبیلة ای ربّ تری احبّائک تحت مخالب البغضآء و اصفیائک تحت سیوف الأعدآء اسألک یا حافظ العالم و منجی الأمم بأن تخلّصهم من طغاة بریّتک و بغاة اهل مملکتک ثمّ اکتب لهم من قلمک الأعلی خیر الآخرة و الأولی لا اله الّا انت المقتدر العزیز العظیم

 و بعد زمزمه‌های طیر حبّ که از شطر آن حبیب قصد مقصد اعلی نمود این خادم فانی را اخذ فرمود قسم بمقصود عالمیان که نفحات حبّ مرده‌های بیدای غفلت را زنده نماید و نهالهای یابسهٴ پژمرده را تازه و سرسبز کند طوبی از برای نفسی که بایّام الهی عارف شد و بنفحات قمیص فائز گشت او اگر در صفّ نعال قائم در صدر مجلس عالم ملاحظه گردد این سلسله هر قدر کشیده شود از قلم محبّت بانتها نرسد لازال مدد غیبی و عنایت سرّی الهی برسد باری بعد از ملاحظهٴ نامه و اطّلاع بر مراتب محبّت و وداد و شوق و انجذاب آن حبیب مکرّم قصد ذروهٴ علیا نموده تلقاء عرش عرض شد هذا ما انزله الرّحمن من ملکوت البیان قوله جلّ و عزّ

هو الشّاهد السّمیع

یا ایّها النّاظر الی شطری و المقبل الی افقی ان استمع ندائی من حول عرشی انّه لا اله الّا انا الفرد الخبیر قد اظهرت نفسی لاصلاح العالم و دعونا الکلّ الی الأفق الأعلی و القوم یدعوننی الی النّار ما لهؤلآء القوم لا یفقهون حدیثاً من اللّه ربّ العالمین قد انزلنا لک من قبل ما جری منه فرات البیان فی الامکان تعالی الرّحمن الّذی خلقک و سوّاک و عرّفک ما احتجب عنه کلّ عالم کبیر و نذکرک فی هذا الحین اذ کان المظلوم مستویاً علی عرش السّجن بما اکتسبت ایدی الظّالمین طوبی لأذن فازت باصغآء ندائی و لعین تشرّفت بمشاهدة انوار وجهی الباقی العزیز البدیع

 قد حضر العبد الحاضر بکتابک فی لیلة بلمآء تلقآء الوجه و فاز ما کتبته باصغآء ربّک السّامع المجیب قد سمعنا ندائک و رأینا اقبالک اقبلنا الیک من هذا المقام العزیز الرّفیع بشّر احبّائی من قبلی بالحکمة و البیان ثمّ الق علی کلّ مستقیم ما نزّل من سمآء الفضل فضلاً من لدنّا و انا المنزل القدیم انّا عفونا عن الّذین اخذهم الاضطراب اذ نعب الغراب و اخذت الزّلازل احبّآء اللّه ربّ الکرسیّ الرّفیع یا اولیائی لا تحزنوا عمّا ورد علیکم ان اقرؤوا ما انزله الرّحمن فی الفرقان ربّ افرغ علینا صبراً و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الظّالمین قل ایّاکم ان تحزنکم شؤونات الخلق قد ورد علیکم فی سبیل اللّه ما ورد علی النّبیّین و المرسلین لعمری لا تعادل بحزنکم فی سبیلی ثروة العالم و لا کنوز الملوک و السّلاطین توکّلوا فی کلّ الأمور علی اللّه ربّکم و ربّ آبائکم انّه یسمع و یری و هو المقتدر القدیر قل ان اطمئنّوا بفضل اللّه و رحمته انّه معکم و یأخذ من ظلمکم کما اخذ من قبل طوبی للمتفرّسین این الرّقشآء و این الذّئب و این ملک الرّوم الّذی امر بسجن المظلوم من دون بیّنة و لا ذنب یشهد بذلک من فی قبضته زمام الأرض کلّها و فی یمینه ملکوت الأمر و الخلق انّ ربّک لهو المقتدر القویّ الغالب القدیر

 و نذکر الذّبیح الّذی فاز بعرفان اللّه فی اوّل الأیّام و شرب رحیق المعانی من ید عطآء ربّه المشفق الکریم انّه کان قائماً علی ذکر اللّه و ثنائه و نصرة امره العزیز البدیع انّا ذکرناه فی الواح شتّی و انزلنا له ما جعله اللّه حجّة لمن فی السّموات و الأرضین انّه فی الرّفیق الأعلی یسمع ما ینطق به مکلّم الطّور فی مقامه العزیز المنیع البهآء علیه و علیک و علی امّک و اخویک و اختیک و علی من سمّی بعلیّ فی کتاب مبین انّا کنّا معه اذ کان ناطقاً بثنائی الجمیل و انزلنا له ما یجد منه المقرّبون عرف البقآء طوبی له و لمن فاز بهذا المقام العزیز المنیع انتهی للّه الحمد کل بامواج بحر معانی فائز شدند و از اشراقات انوار آفتاب حقیقت منوّر گشتند از آیات منزله عنایات الهیّه مشهود و واضح این فانی در جمیع احیان از برای آن حبیب روحانی و سایرین تأیید و توفیق میطلبد الحمد للّه منتسبین حضرت ذبیح علیه بهآء اللّه الأبهی تحت لحاظ عنایت بوده و هستند سوف یظهر اللّه ما هو المستور عن العیون انشآءاللّه جمیع به ما ینبغی لأیّام اللّه عامل باشند

 اینکه ذکر مخدّره خدیجه بیگم علیها بهآء اللّه فرمودند تلقاء عرش عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله جلّ و عزّ یا خدیجه انشآءاللّه بطراز نسبت حقیقی مزیّن شوی و این مقام بسیار عظیم است و این حاصل نمیشود مگر بانقطاع عن کلّ منکر و منکرة اعرض و اعرضت عن اللّه العلیّ العظیم ذکرت نزد مظلوم مذکور و در سنین متوالیه باسمت جاری شد آنچه مدلّ و مشعر بر عنایت حقّ جلّ جلاله است ان اشکری ربّک بهذا الفضل العظیم یا غلام بشّرها من قبلی نسأل اللّه بأن یؤیّدها علی الاستقامة الکبری فی هذا الأمر المحکم المتین در الواح شتّی ذکر او شده و الواح بدیعهٴ منیعه در باره‌اش نازل انشآءاللّه بما ینبغی ذاکر باشد و بذکر و ثنای حقّ ناطق ینبغی لکلّ نفس ان ینظر الی الأفق الأعلی وحده طوبی لعبد فاز بهذا المقام الأعلی و لأمة فازت انتهی این فانی هم تکبیر میرساند و از حقّ جلّ جلاله میطلبد از برای او آنچه سزاوار ایّام اوست مکرّر این عبد باو مراسلات ارسال داشته امید هست گاهی بآنها رجوع نمایند چه که سبب ازدیاد محبّت میشود و در این ایّام یک لوح امنع اقدس مخصوص او نازل و ارسال شد انشآءاللّه از فرات رحمتش بیاشامند و از رحیق معانیش قسمت و نصیب برند

 و همچنین ذکر مخدّره خانم سلطان علیها بهآء اللّه را نمودند در پیشگاه حضور عرض شد هذا ما نطق به ملکوت البیان یا امتی ذکرت در سجن اعظم نزد مظلوم مذکور لذا مطلع ظهور الهی و مشرق وحی ربّانی از این مقام بعید بتو توجّه نموده و ترا بافق اعلی دعوت فرموده و میفرماید بگیر باسم پروردگار عالمیان رحیق استقامت را و بنوش بذکرش و حبّش لعمر اللّه هر نفسی بآن فائز شد ضوضاء عالم او را از مالک قدم منع ننمود امروز نسبت کل بحقّ جلّ جلاله بوده و هست تمسّکی بحبل نسبة ربّک منقطعة عمّن فی السّموات و الأرض کذلک یأمرک امّ الکتاب فی المآب انتهی

 اینکه ذکر جناب آقا سیّد نعمة‌اللّه و جناب آقا سیّد فتح‌اللّه علیهما بهآء اللّه نمودند عریضهٴ ثانی نزد این فانی حاضر و در ساحت من لا یعزب عن علمه من شیء عرض شد و یک لوح امنع اقدس از سماء مشیّت مخصوص ایشان نازل و ارسال شد و امّا اوّل که ذکرش در نامهٴ آن جناب بود وقتی از اوقات امام وجه مالک ایجاد عرض شد این آیات باهرات مخصوص ایشان از ملکوت فضل نازل قوله جلّ جلاله و عظم برهانه

هو الشّاهد العلیم

یا نعمة‌اللّه من فاز بهذا الأمر انّه فاز بنعمة اللّه و المائدة المنزلة من سمآء اسمه الکریم قل تاللّه قد اتی النّبأ الأعظم و به ظهر صراط اللّه المستقیم طوبی لمن سمع النّدآء و اقبل الی الکلمة العلیا الّتی خرجت من فم ارادة ربّه النّاطق العلیم ایّاک ان تخوّفک شؤونات الخلق تمسّک بذیل الحقّ منقطعاً عمّن فی السّموات و الأرضین کذلک نطق لسان الوحی اذ کان مستویاً علی عرش عظیم انتهی این بسی واضح و معلوم است که عنایت حقّ جلّ جلاله کل را احاطه نموده و رحمتش سبقت گرفته ولکن ای حبیب روحانی من شما و این عبد و سایر دوستان باید بکمال عجز و ابتهال از حقّ متعال مسئلت نمائیم که دوستان خود و عباد خود را از فیوضات ایّامش محروم نفرماید ناس اکثری غافلند نمیدانند چه شده و چه ظاهر گشته و چه عالمی است یا لیت فاز الخادم بالاذن و ذکر فی العالم ما تنجذب به افئدة العباد

 و اینکه ذکر جناب آقا میرزا حسین علیه بهآء اللّه نموده بودند عریضهٴ ایشان امام عرش عرض شد و یک لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل هنیئاً له و مریئاً له

 و اینکه در بارهٴ حضرت ذبیح الّذی صعد الی الرّفیق الأعلی مرقوم داشتند و همچنین ذکر رجای ایشان را در شهادت این فقره لدی الغنیّ المتعال عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله تبارک و تعالی یا غلام انّ اباک فاز بالاقبال فی اوّل الأیّام و شرب رحیقی المختوم باسمی القیّوم انّه ممّن اقبل و آمن و قام علی خدمة الأمر الی ان استشهد فی سبیل اللّه ربّ العالمین قد رقم اسمه من قلمی الأعلی من الشّهدآء فی الصّحیفة الحمرآء و سمّیناه بالذّبیح فی کتابی المبین علیه بهائی و بهآء من فی السّموات و الأرضین انتهی فضل مقصود عالمیان ایشان را احاطه نموده لازال بذکر مقصود فائز و بر خدمت امر قائم طوبی لحضرته و للّذین معه و لمن احبّه لوجه اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ الغیب و الشّهود

 اینکه ذکر مخدّرهٴ مکرّمه و ورقه امّ جناب ع‌ط و اخته علیه و علیهما بهآء اللّه و رحمته و عنایته نموده بودند مخصوص هر یک لوح امنع اقدس که فی‌الحقیقه عرف عنایت حقّ از آن متضوّع است نازل و ارسال شد در این فتنهٴ ارض طاء بعضی از اوراق اقوی از بعضی از رجال مشاهده شدند و این کلمه‌ایست که خادم باذن خود از لسان مبارک استماع نمود طوبی لهنّ و نعیماً لهنّ این عبد خدمت هر یک تکبیر و سلام میرساند و از حقّ میطلبد از برای هر یک مقدّر فرماید آنچه را که سزاوار عنایت و بخشش اوست

 ذکر حبیب روحانی جناب علی پاش خ‌ا علیه بهآء الرّحمن نموده بودند للّه الحمد ذکرشان در ساحت امنع اقدس بوده و هست مکرّر این عبد ذکر ایشان را از لسان قدم استماع نموده هنگامی که نامهٴ آن جناب تلقاء عرش عرض شد باسم ایشان که رسید این کلمات علیا بمثابهٴ شمس از افق سماء بیان رحمن اشراق نمود قوله عزّ بیانه و جلّ فضله و عظم احسانه

هو الشّاهد الخبیر

یا علی علیک بهائی و عنایتی آنچه بر تو در فتنهٴ ارض طاء از احزان وارد شد نزد مظلوم مذکور انّه کان معک و یشهد و یری و هو السّمیع البصیر معشر غافلین بر اطفاء نور الهی قیام نموده‌اند و شرذمهٴ مغلّین بر اخماد نار محبّت ربّ العالمین منتهای جدّ و جهد را مبذول داشته‌اند آیا فرعون چه ربح برد و از اعمالش چه ثمر دید و از ظلمش چه اثر یافت با تمام همّت بر سفک دماء اطفال قیام نمود عاقبت ید قدرت و تربیت الهی کلیم را در بیت او تربیت نمود و ظاهر فرمود ارادهٴ الهی بر کل غالب است در شفقت حقّ جلّ جلاله و ظلم اعدا تفکّر نما سی و دو سنه او ازید حزب اللّه را از نزاع و جدال و فساد منع نمودیم سحاب قضا امطار بلا بر ایشان ریخت مع‌ذلک صبر نمودند کلمات سخیفه شنیدند و جواب نگفتند کمال ذلّت را دیدند و اعتراض ننمودند کشته شدند و نکشتند مع‌ذلک خلق بی‌انصاف دست برنداشتند اسم‌اللّه را دیده‌اید صبر و سکون و حلم و شفقت و محبّت و وقار ایشان را اکثری دیده و میدانند مع‌ذلک او را مفسد قلم داده‌اند و بر ضرّش قیام نموده‌اند اینست شأن خلق حقّ از ظلم ظالمان چشم نپوشیده و نخواهد پوشید مخصوص در این ظهور که هر یک از ظالمین را جزا داده در رئیس روم از قبل و طائفان حولش تفکّر نما قد اخذهم اللّه اخذ عزیز مقتدر چه که من غیر جهت آل اللّه را بسجن اعظم فرستاد و همچنین در رقشا و ذئب تفکّر نمائید کاذب ارض طاء را که به صادق معروف ملاحظه کنید مع‌ذلک خلق غافل بشعور نیامده‌اند و از بحر آگاهی و دانائی بالمرّه محرومند

 آن جناب باید در جمیع احوال بافق اعلی ناظر باشد و بر خدمت امر قائم قسم بآفتاب افق سماء معانی هر نفسی که از شما در سبیل الهی برآمد لدی اللّه مخزون و مکنون این گلپاره‌های عالم که بجنود و صفوف و ظلم فخر مینمایند بملاقات آب قلیلی از هم بریزند بیک تب شعلهٴ نار غرور بیفسرد و آتش حرص و هوی منطفی گردد سبحان‌اللّه مع‌ذلک متنبّه نشده و نمیشوند من غیر جهت قصد نفوس راسخهٴ مطمئنّه نموده‌اند اولیای الهی را من‌دون جرم و گناه بظلم مبین اخذ و حبس کرده‌اند لعمر اللّه سجن را جنّت دانسته‌اند و ظلم را از آیات عدل شمرده‌اند چه که در سبیل حضرت محبوب بر ایشان وارد شده آنچه وارد شده طوبی لمن یحبّهم و یذکرهم و یخدمهم و یتقرّب الیهم انّه من اهل الفردوس الأعلی فی کتاب الأسمآء یشهد بذلک مظلوم الآفاق الّذی ینطق فی السّجن انّه لا اله الّا انا العلیم الحکیم البهآء علیک و علی من معک و علی الّذین ما زلّتهم اشارات القوم عن صراطی المستقیم انتهی قد فاز الیوم کلّ مقبل بما لم یفز به احد من قبل و ادرک ما لم یدرکه الخلق قبل هذه الأیّام یسأل الخادم ربّه بأن یکون باب فضله مفتوحاً علی وجوه المقبلین و الموحّدین و المقرّبین و المخلصین انّ ربّنا الرّحمن علی کلّ شیء قدیر و هو الغفور الرّحیم

 و ذکر جناب حاجی علی علیه بهآء اللّه و عنایته را نموده بودند بعد از عرض تلقاء وجه بحر علم باین امواج ظاهر و باهر قوله جلّ جلاله و عمّ نواله

هو الشّاهد العلیم

یا علی یشهد لک قلمی الأعلی بأنّک اقبلت الی اللّه و فزت برحیق حبّه اذ اعرض عنه کلّ غافل بعید انت الّذی اجبت مولاک اذ سمعت ندائه و عملت بما امرت به اذ عرفته و شهدت بما شهد لسان القدم قبل خلق العالم انّه لا اله الّا انا العلیم الحکیم قد تزیّن الطّور بأنوار الظّهور و البطحآء تنادی و الحجاز تبشّر العباد بما اشرق من افق اللّه ربّ العالمین قد اخذ الفرح کلّ العالم و الأمم فی خسران مبین الّا الّذین نبذوا ما منعهم عن اللّه و تمسّکوا بحبلی المتین یا علی قد فزت بلوحی من قبل و انزلنا لک فیه ما یقرّبک الی الأفق الأعلی و یجذبک الی وجهی المنیر طوبی لعبد ادرک ایّامی و لنفس فازت بهذا الأمر العزیز البدیع قل

 یا الهی اشهد انّی کنت راقداً اقامتنی ید فضلک و کنت غافلاً عرّفتنی بدائع الطافک و کنت متوقّفاً اسرعنی ندائک الأحلی اذ ارتفع بین الأرض و السّمآء و کنت میّتاً حیّتنی نسمات فجر عنایتک اسألک یا محبوب العالم و مقصود الأمم باسمک الّذی به هدیت عبادک الی صراطک المستقیم و انزلت علیهم ما جعلهم اقویآء فی ایّامک بأن تؤیّدنی علی الاستقامة علی امرک انّک انت المقتدر علی ما تشآء و فی یمینک زمام الأرض و السّمآء لا اله الّا انت العلیم الحکیم انتهی

 الحمد للّه جناب مذکور فائز شدند بآنچه که شبه و نظیر از برای او نبوده و نیست چندی قبل هم دستخطّ حضرت محبوب فؤاد جناب حاجی میرزا ح‌ی ع‌ل علیه بهآء اللّه و عنایته باین عبد رسید و ذکر ایشان مفصّلاً در آن مذکور و بعد از عرض تلقاء وجه یک لوح امنع اقدس از سماء رحمت نامتناهی مخصوص ایشان نازل و ارسال شد از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که ایشان را موفّق فرماید بر آنچه که اثرش از عالم محو نشود انّه لهو المقتدر علی ما یشآء و هو القویّ القدیر

 اینکه در بارهٴ اذن توجّه ایشان مرقوم داشتید عرض شد فرمودند این سنه توقّف اولی و بعد اگر حکمت اقتضا نماید اذن عنایت میشود در هر حال باید بحکمت ناظر باشند کل باین مأمورند در ایّام فتنه آنچه للّه و فی سبیل اللّه گفته شد بطراز قبول فائز و اگر هم از نفوس معدوده فی‌الجمله فتوری و یا غفلتی ظاهر شد بطراز عفو حقّ جلّ جلاله مزیّن گشتند قال عزّ ذکره خذوا الحکمة امراً من عندنا و حکماً من لدنّا و انا الآمر و انا الحکیم انتهی

 این فانی حقّ را شاکر است و حامد و در لیالی و ایّام بذکرش ذاکر چه که محض فضل نفوسی ظاهر فرمود که بطراز محبّتش مزیّنند و بذکرش ذاکر آنچه قابل ذکر است فی‌الحقیقه این مقام است الأمر بیده و هو المقتدر العزیز العظیم البهآء اللّائح من افق سمآء عنایة ربّنا علی جنابک و علی الّذین فازوا بذکر اللّه ربّ العالمین

خ‌ادم

فی ٢٩ شهر رجب سنة ١٣٠١

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر